

پیوند صورت (Face Transplant): تعلیق و تغییر هویت

پیوند صورت در پزشکی

ایده جراحی صورت یا پیوند صورت از دیرباز از جمله تخیلات انسان ها و به خصوص پزشکان بوده است. این تخیل در سال های اولیه قرن بیست و یک کم کم جامه عمل به خود پوشاند. سال 2005 در فرانسه اولین عمل پیوند صورت به طور غیرکامل توسط جراحان پلاستیک انجام شد. ولی جراحی و انتقال کامل صورت در سال 2010 در اسپانیا و سپس در دیگر کشورهای جهان انجام شد و بالاخره این مسئله از تخیل به واقعیت پیوست. این جراحی اغلب برای بیمارانی تجویز می شود که تغییر فاحشی در شکل معمولی صورت آنها رخ داده باشد. این تغییرات به دلایلی مانند سوختگی، مشکلات ژنتیکی و یا بیماری های خاص به وجود می آید. باید توجه کرد که پیوند صورت با اصلاح و یا درمان بدریختی های صورت متفاوت است. در اصلاح صورت بافت خود بیمار از بخش های دیگر بدنش مانند کمر یا ران پا گرفته شده و در طی چندین عمل آن پوست به صورت بیمار پیوند داده می شود. یا اینکه خود صورت در حالی که هنوز امکان زنده ماندن بافت وجود داشته باشد، مجدداً به صورت زخمی متصل می شود. اما عمل پیوند صورت به معنای پیوند بافتی از صورت فرد دیگری به صورت فرد بیمار است.

عمل اصلاح صورت و یا درمان صورت زخمی پیش از این نیز در دهه نود میلادی در کشورهایی مانند هند و استرالیا انجام شده بود. اما همان طود که گفته شد پیوند صورت به شکل کامل و موفقیت آمیز در اسپانیا انجام شد. تیمی متشکل از 30 دکتر متخصص بیش از 24 ساعت زمان صرف کردند تا تمام صورت از جمله فک، بینی، لب ها، ماهیچه ها، دندان ها و لب ها را به صورت بیمار منتقل کنند. بیمار کشاورزی 31 ساله به نام اسکار بود که 5 سال قبل به صورت تصادفی به صورت خود شلیک کرده بود. تیم پزشکان با هدایت دکتر جان پیر بارت (Joan Pere Barret) اعلام کردند که عمل موفقیت آمیز بوده است و پس از یک دوره فیزیوتراپی بیمار می تواند تا نود درصد کارایی صورت خود را بازیابد. در همان سال عمل مشابهی در کشور فرانسه انجام شد و پس از آن در کشورهای دیگری همچون آمریکا و لهستان انجام شد.



تصویر شماره 1: چهره ایزابل دینوره پس از جراحی صورت

با وجود اینکه بیشتر این پیوندها در گزارش های عمومی موفقیت آمیز اعلام می شود، همچنان نمی توان ادعا کرد که این جراحی شیوه قابل قبول و فراگیری دارد. همچنان بحث ها و مقالات بسیاری در چگونگی و میزان اثرگذاری این عمل منتشر می شود. در واقع علاوه بر عدم درمان قطعی بیماران در این موارد، عاملی که سبب تردید عمومی نسبت به چنین عمل های می شود عوارض درازمدت آنها است. به عنوان مثال خانم ایزابل دینوره (Isabelle Dinoire) که در سال 2005 اولین پیوند صورت غیرکامل را در فرانسه انجام داد، در سن 49 سالگی بر اثر سرطانی که از عوارض پیوند

صورتش بود، جان باخت. پیوند صورت او شامل بینی، لب ها و گونه بود که از یک بیمار مرگ مغزی گرفته شده بود. در ابتدا این عمل موفقیت آمیز گزارش شد. گزارش های بسیاری در سایت ها و منابع خبری منتشر شد. دکترهای مسئول این جراحی دو سال

پس از اتمام کار خود و مشاهده نشانه های موفقیت شان، مقاله هایی را در نشریات معتبر علمی و پژوهش دنیا¹ منتشر کردند. با این وجود ایزابل از همان ابتدا با دو مشکل روبرو شد، اولی نارسایی کلیوی و دومی لزوم مصرف داروهایی خاص تا آخر عمر. دکتران تجویز کرده بودند که اگر این داروها مصرف نشوند، بیمار با شرایطی "فاجعه آمیز" روبرو می شود. اما اینها همچنان مشکل بزرگی تلقی نمی شود. در نهایت در سال 2015 بدن ایزابل پیوند را نپذیرفت و ابتدا لب ها از کار افتادند. از سوی دیگر داروهایی که او باید همیشه می خورد منجر به ایجاد دو نوع سرطان در بدن او شدند و او در سال 2016 در بیمارستانی در فرانسه جان داد. همه اینها به معنای آن نیست که پیوند صورت غیرممکن، توصیه ناشدنی و یا خطرناک است، بلکه بدان معنا است که هنوز شیوه مورد قبول و بی خطری برای این عمل پیدا نشده است.

تبعات اجتماعی و فردی پیوند صورت

از همان ابتدا که ایده پیوند صورت در ذهن مردم به وجود آمد، تبعات آن نیز جلوه گر شد. این تبعات جنبه های اخلاقی، حقوقی و روانی دارد. مساله اصلی هنگامی جلوه می کند که در فرض موفقیت پیوند صورت، چه اتفاقی بر سر شخصیت و هویت بیمار می افتد. اعضای مهمی در بدن قرار دارند که پیوند آنها حیاتی و تاثیرگذار است، اما اغلب آنها کارکردی درونی (مانند قلب یا کلیه) دارند. اما پیوند صورت در این بین از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که چهره انسان به عنوان نماد و ظاهر او اولین نقطه ارتباطی او با دوستان و اطرافیان است. پس هنگامی که چهره تغییر کند، امکان شکل گیری هویتی جدید و ارتباطاتی جدید شکل می گیرد. شخص پذیرنده صورت می تواند تاریخ زندگی خود را تغییر دهد، و زندگی جدیدی را شروع کند، اما آیا مکان آن وجود دارد که تاریخ و هویت شخصی با تغییر چهره اش تغییر کند؟

اولین مساله ای که در تغییر هویت شخص پذیرنده صورت ایجاد می شود، تبعات روانی است. در واقع شخص بیمار باید چهره جدید خود را بپذیرد و از چهره گذشته خود دست بشوید. بی شک هر فردی با چهره خود خو گرفته است و خود را آنگونه می شناسد. پس تغییر چهره مستلزم قطع امید از یکی از مهمترین وابستگی های هر شخص و خو گرفتن به شکل دیگری از زندگی است. ممکن است این تغییر سبک زندگی برای کسانی که زندگی گذشته چندان مناسبی نداشته اند، دلچسب و رهایی بخش باشد، اما برای همان افراد نیز این تغییر با نوعی مقاومت و دشواری روحی روبرو است. اینکه فرد پذیرنده صورت، چهره جدید خود را بپذیرد و درک کند که هنوز زندگی اش تداومی معنادار دارد، گاهی بسیار دشوار و غیرقابل پذیرش است. موارد بسیاری دیده شده که افراد پس از جراحی غیرکامل و یا کامل صورت با مشکلات روحی و روانی روبرو شده و قصد خودکشی می کنند. محققان موسسه سلطنتی NHS لندن (Royal Free London NHS Foundation) سیستمی کامپیوتری را طراحی کرده اند، که در صورت موفقیت با کمک آن چهره جدید شخص را طراحی کرده و با تمرین روی آن، شخص بیمار را با چهره جدیدش آشنا کنند. نمونه ای از این طراحی کامپیوتری در تصویر شماره 2 دیده می شود:



¹ New England Journal of Medicine

تصویر شماره 2: نمونه ای از طراحی کامپیوتری چهره پس از پیوند صورت

صفحه | 3

مساله بعدی ارتباط شخص پذیرنده و شخص اهداکننده صورت است. همان طور که ذکر شد، اغلب شخص اهدا کننده از بین افرادی انتخاب می شود که دچار مرگ مغزی شده اند و یا به هر دلیلی گرچه بافت صورتشان زنده است، اما دیگر نیازی به آن ندارند. این تا حدود زیادی مساله را حل می کند. یعنی شخص پذیرنده دیگر ارتباطی با شخص اهدا کننده ندارد و مطمئن است او نیازی به این عضو خود نداشته است. اما ممکن است ارتباط با خانواده اهدا کننده و تاریخ و یادگارهایی که شخص اهدا کننده با چهره خود پدید آورده است، برای فرد پذیرنده بحران ساز است. به عنوان مثال ایزابل (اولین شخصی که جراحی غیرکامل صورت انجام داد) با خانواده اهدا کننده ارتباط داشت و در جایی گفته بود من «احساس خواهری» با او دارم. داستان های علمی-تخیلی به نوع دیگر جراحی صورت نیز پرداخته اند: یعنی شرایطی که شخص اهدا کننده و پذیرنده هر دو زنده هستند و حتی با یکدیگر روبرو می شوند. این رویارویی می تواند بستر حوادث دراماتیک بسیاری باشد (گرچه چنین اتفاقی بسیار غیرمحمتمل است، اما به صورت منطقی امکان آن وجود دارد).



تصویر شماره 3: از جمله تبعات پیوند صورت مسائل روحی و روانی است.

مساله دیگری که جراحی صورت را مورد مناقشه و جنجال می کند، مسائل حقوقی است. شاید ساده ترین مشکل وقتی ایجاد شود که تمام کارت های هویتی عکس دار او بی معنا و باطل می شوند. اما مساله به همین جا ختم نمی شود. مساله مهمتر اینکه اگر بپذیریم هویت شخص پذیرنده صورت با تغییر چهره اش تا حد زیادی تغییر می کند، پس می توان از گناهان و جرایم گذشته او چشم پوشی کرد و با او به شکل انسانی جدید برخورد کرد. اما مساله به همین راحتی نیست. اولین مشکل آنجاست که فرد اهداکننده صورت نیز تاریخی داشته است و در صورت تغییر هویت شخص پذیرنده، هویت او همان هویت فرد اهداکننده است. این یعنی بپذیریم که تمام گناهان و جرایم فرد اهداکننده به دوش

فرد پذیرنده است. اما این نیز بسیار عجیب و غیرقابل پذیرش است. یک پاسخ ساده و کوتاه به این مساله آن است که بگوییم: نخیر، هویت فرد با تغییر چهره اش تغییر نمی کند. اما مجدداً این سوال پدید می آید که پس هویت یک فرد به چه چیزی قوام می گیرد؟ اگر چهره هویت بخش نیست، پس چه چیزی اگر تغییر کند، می توان گفت این شخص دیگر آن شخص قبلی نیست؟ اگر دست و پای شخصی قطع شود، چشمانش کور شود و صورتش پیوند خورده باشد، باز هم همان هویت قبلی را دارد؟ اگر دست و پا و چهره و تمام اعضای فردی تغییر کند، آیا هویتش تغییر کرده است؟ آیا مغز فرد هویت بخش است؟ آیا خاطراتش؟ آیا روحش؟ یا اینکه تمام اینها در کنار یکدیگر؟ اگر جسم و روح در کنار یکدیگر هویت بخش هستند، چه مقدار از آنها اگر تغییر کند، هویت فرد تغییر کرده است؟

در کنار این سوالات ده ها سوال دیگر اخلاقی و اجتماعی مطرح است که پاسخ دهی به آنها ذهن بسیاری از محققان را به خود مشغول کرده است. همه اینها علاوه بر سوالاتی است که در دیگر جراحی های پیوند اعضا وجود دارد مانند اینکه چگونه باید شخص

اهدا کننده و پذیرنده را انتخاب کرد؟ آیا باید اطلاعات آنها را به یکدیگر داد؟ هزینه های گزاف این جراحی چگونه تامین می شود؟ موفقیت آن چند درصد است و در صورت عدم موفقیت رضایت بیمار و خانواده اش را چگونه می توان جلب کرد؟ آیا اخذ پول توسط شخص اهدا کننده اخلاقی است؟ و ... همه این مشکلات و چالش های اخلاقی و حقوقی این سوال را پدید می آورد که در چه مواردی اجازه داریم این جراحی را به بیمار پیشنهاد کنیم؟

جراحی صورت در سینما



تصویر شماره 4: از گذشته تا کنون پیوند صورت با نوعی ترس و تعلیق همراه بوده است.

همان طور که ملاحظه شد، جراحی صورت تبعات دراماتیک بسیاری دارد. این تبعات از ذهن و قلم کارگردانان و نویسندگان دور نمانده است. مشکلات روحی و روانی بیمارانی که به هر دلیل صورت خود را از دست داده اند، مشکلات حقوقی آنها و جرایمی که به فرض می توان با چنین عملی انجام داد همگی امکان تبدیل شدن به داستان هایی جذاب را دارند. در عین حال ترکیب تخیل نویسندگان و هنر جلوه های ویژه داستان هایی علمی تخیلی را تولید کرده که به نظر نمی رسد در آینده نزدیک این اتفاقات امکان پذیر باشد. پس می توان ادعا کرد بستر اولیه فیلم سازی با موضوع پیوند صورت، ژانر علمی تخیلی است. در این ژانر می توان جراحی

صورت را بدون عیب و نقص، با طول درمان کوتاه و تاثیرات جانبی اغراق شده به نمایش گذاشت. اما با گذشت زمان و با عملی شدن پیوند صورت، حتی با وجود انتقادات و مشکلات آن، دیگر ژانر علمی تخیلی بستر اصلی برای فیلم سازی نیست. این سوژه در قالب ژانرهای پلیسی، درام و وحشت نیز مورد استقبال کارگردانان قرار گرفته است. به نظر می رسد مولفه جذاب در این سوژه، تعلیقی است که بیشتر ناشی از کنجکاوی بیننده در خصوص چهره بیمار پس از جراحی است. به عنوان مثال در فیلم «مسیر تاریک» (Dark Passage) نیمی از زمان داستان، دوربین روایت اول شخص داستانی دارد و ما نمی توانیم چهره قهرمان فیلم را ببینیم. تعلیق در این فیلم باعث شده است، بیننده منتظر دیدن چهره همفری بوگارت پس از جراحی باشد. تعلیق همچنین در فیلم های ترسناک و معمایی نیز کارایی بالایی دارند. چرا که این فیلم ها نیز از عدم آگاهی بیننده نسبت به واقعیت امور برای داستان سازی استفاده می کنند. همچنین چهره های ترسناک بیماران، صحنه های رقت برانگیز عمل جراحی و حتی چگونگی زخمی شدن صورت بیمار می تواند ابزارهای خوبی برای یک کارگردان در ژانر وحشت باشد.

همان طور که گفته شد از جمله تبعات پیوند صورت مشکلات هویتی، رفتاری و حقوقی بیماران قبل و بعد از جراحی است. این مطلب نیز در فیلم های با این موضوع به خوبی نمایان است. از جمله این آثار می توان به فیلم تاثیرگذار تغییر چهره (Face-Off) اشاره کرد که به زندگی و روابط یک پلیس و یک خلافکار سابقه دار اختصاص یافته است. تغییر صورت بین دو شخصیت اصلی فیلم سبب مشکلاتی در تشخیص آنها می شود و زندگی آنها را با مشکلاتی روبرو می کند. سوالی که کارگردان بر آن تاکید می کند آن است که آیا می توان سابقه جنایی، عاطفی و خانوادگی شخصی را با پیوند صورت تغییر داد؟ (این فیلم در سال 1997 یعنی پیش از عملی شدن پیوند صورت ساخته شده است و لذا می توان آن را در قالب ژانر علمی تخیلی قرار داد). این فیلم تاثیر بسیاری

بر عمومی شدن مفهوم پیوند صورت از خود به جا گذاشت و مردم را نسبت به مسائل و تبعات پیوند صورت بیش از پیش حساس کرد.

مجموعه فیلم‌ها

(چهره یک زن 1941): این فیلم یکی از اولین آثار سینمایی با محوریت جراحی صورت است. بازی ملوین داگلاس (برنده دو جایزه اسکار در سال‌های 1964 و 1980) و جوان کرافورد (برنده اسکار بهترین بازیگر زن سال 1946) مشاهده این فیلم را بیش از پیش جذاب می‌کند. در این فیلم قهرمان اصلی فیلم زنی است که پس از جراحی صورت شخصیت منفی خود را از دست می‌دهد. خط اصلی روایت داستان در دادگاه شکل می‌گیرد که تعلیق چهره زن تا اواخر فیلم ادامه دارد.

(مسیر تاریک 1947): فیلم معروف همفری بوگارت که نیمی از فیلم بدون نمایش چهره او و همراه با کنجکاو بیننده پیش می‌رود. قهرمان فیلم برای پاک کردن سابقه کیفری اش تصمیم به جراحی صورت می‌گیرد و از این طریق می‌تواند تحقیقاتی برای اثبات بی‌گناهی اش انجام دهد.

(چشمانی بدون صورت 1960): فیلمی در ژانر وحشت که جراحی خون‌آلود را نشان می‌دهد و علاوه بر تعلیق در کشف چهره، مشکلات اخلاق پزشکی در انجام این جراحی را به تصویر می‌کشد. این فیلم هنوز در سبک علمی تخیلی قرار دارد، ولی کارگردان به صورت واقع‌گرایانه پذیرفته است که این اتفاق رخ نخواهد داد.

(شبح اپرا 1989): داستان شبح اپرا که بارها و بارها در سینما و تئاتر به اجرا در آمده است، مولفه‌ای از تغییر چهره دارد. در این فیلم شبح اپرا هنرمندی است که توسط شیطان طلسم شده و چهره کریهه پیدا کرده است، او برای حضور در جامعه هر بار صورتی را به خود پیوند می‌زند (پرونده شبح اپرا پیش از این در مجموعه سیر مشاهدتی Classifilm بررسی شده است).

(تغییر چهره 1997): این فیلم یکی از تاثیرگذارترین و مهمترین آثار سینمایی با موضوع پیوند صورت است. استفاده از جلوه‌های ویژه بصری در سطحی بالاتر از دهه نود میلادی و همچنین بازی خوب نیکلاس کیج و جان تراولتا این فیلم را نامزد اسکار کرد و بیش از پیش مورد توجه عمومی قرار داد.

ردیف	نام فیلم	سال ساخت	کارگردان	کشور سازنده	نمره IMDB	نمره Classifilms
1	A Woman's Face	1941	George Cukor	آمریکا	7.2	7
2	Dark Passage	1947	Delmer Daves	آمریکا	7.6	7.1
3	Eyes without a Face	1960	Georges Franju	فرانسه، ایتالیا	7.8	6.6
4	The Phantom of the Opera	1989	Dwight H. Little	آمریکا، انگلیس، لهستان	5.5	6.3
5	Face-Off	1997	John Woo	آمریکا	7.3	7.4

